

کنوانسیون آپوستیل و تأثیر الحاق به آن بر نظام حقوقی ایران

سید سعید هاشمی*

چکیده

به ابتکار کنفرانس حقوق بین الملل خصوصی لاهه، معاهده لغو ضرورت تصدیق اسناد رسمی اسناد دولتی بیگانه در سال ۱۹۶۱ شکل گرفت و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۱ «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه مصوب ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۱۳۴۰ هجری شمسی» را تصویب کرد. با وجود این هنوز سند الحاق به این کنوانسیون از سوی «وزارت امور خارجه کشور» نزد امین معاهده تودیع نشده است، لذا با گذشت چندین سال، ایران عضو این کنوانسیون به حساب نمی آید. هدف اصلی این کنوانسیون تسهیل در تصدیق اسناد و همچنین تسهیل در استفاده از اسناد داخلی در سایر کشورهای عضو کنوانسیون است. با الحاق به این کنوانسیون، نمایندگی های کنسولی، که واسطه تصدیق اسناد هستند، حذف می شوند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی بخش های مختلف این کنوانسیون پرداخته و در هر قسمت دیدگاه حقوق ایران را بر اساس آیین نامه اجرایی قانون الحاق به کنوانسیون آپوستیل تحلیل کرده است و راه حل مناسب در این خصوص را تبیین می نماید. در بخش پایانی پژوهش، آثار مترتب بر الحاق به این کنوانسیون تبیین شده است. با تصویب قانون مذکور، برخی قوانین داخلی ایران در روابط متقابل با کشورهای عضو این معاهده، به طور ضمنی، نسخ شده است که از جمله آن می توان به بند چهارم ماده ۱۲۹۵ و ماده ۱۲۹۶ قانون مدنی و همچنین بند الف ماده ۲ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی اشاره کرد. همچنین الحاق به این کنوانسیون موجب تسهیل جذب سرمایه گذاری خارجی شده و خروج ارز برای تصدیق اسناد را کاهش می دهد. لذا الحاق ایران به این کنوانسیون، با توجه به مزایایی که در آن تعریف شده است،

اقدامی مثبت در راستای منافع ملی بوده و اقدام به انجام سایر مراحل اجرایی جهت عضویت در این معاهده توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: کنفرانس لاهه، معاهده ۱۹۶۱ لاهه، اسناد رسمی، اسناد عمومی، اسناد دولتی

مقدمه

در سده نوزدهم میلادی مرادوات و ارتباطات جوامع بشری بسیار گسترش یافته و در نتیجه حقوق بین‌الملل که نتیجه آن معاهدات است توسعه یافت. همین امر سبب گردید حقوق مخاصمات تحت تأثیر حقوق صلح قرار گیرد. از دهه ۱۸۶۰ تعداد معاهدات بین‌المللی که بیشتر در قالب قراردادهای صنعتی و تجاری بود، رشد بسیاری یافت (کلی، ۱۳۸۸: ۵۰۳-۵۰۲). کنفرانس‌های تشکیل شده در اواخر قرن نوزدهم «کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه»^۱ است. کنفرانس مذکور در سال ۱۸۹۳ در لاهه تأسیس گردیده^۲ و در سال ۱۹۵۱ به یک نهاد دائمی فراملی تبدیل شد. در حال حاضر این کنفرانس یک نهاد جهانی است که به موضوعات حقوق مدنی و تجاری می‌پردازد (Permenent Bureau of Hcch, 2010: 32; Bernasconi, 2007: 350). این کنفرانس سعی دارد، با توجه به اختلافات سیستم‌های حقوقی کشورها، راه را جهت همکاری و مشارکت تجار و شرکت‌ها در عرصه بین‌المللی هموار سازد (Bernasconi, 2007: 350).

در سال ۱۹۶۰، پیش‌نویس «معاهده لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه»^۳ نگاشته شده (Amram, 1974: 310) و در پنجم اکتبر سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه به تصویب رسید. کنوانسیون یا معاهده آپوستیل^۴ از دیگر نام‌های این کنوانسیون است. کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه ظرفیت استفاده حقوقی از اسناد داخلی کشورهای عضو کنوانسیون در سایر کشورهای عضو را فراهم نموده و موجب تسهیل در استفاده از این اسناد می‌گردد (Hartoyo & Fauziah, 2019: 38-39)؛ لذا با استفاده از ظرفیت این کنوانسیون دیگر لازم نیست که

1. Hague Conference on Private International Law

۲. سیزده کشور مؤسس این کنفرانس بوده‌اند که عبارت‌اند از اتریش، هلند، بلژیک، رومانی، روسیه، فرانسه، مجارستان، پرتغال، دانمارک، ایتالیا، لوکزامبورگ، اسپانیا و سوئیس (Bernasconi, 2007: 350; Graveson, 1961: 18). این امر نشان از آن دارد که این کنفرانس کاملاً اروپایی بوده است و در حال حاضر نیز بسیاری از کشورهای آسیایی به معاهدات آن ملحق نشده‌اند.

3. The Hague Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents

4. Apostille

فرد سند خود را در نمایندگی کنسولی کشور مقصد سند تصدیق نماید و به صرف تأیید در مرجع داخلی خود، سند در دیگر کشورهای عضو معاهده قابل استفاده است (Leich, 1982: 182).

در حال حاضر بیشتر کشورهای در حال توسعه عضو این کنوانسیون نیستند و علت اصلی عدم الحاق این کشورها عدم آگاهی و اطلاع نسبت به این معاهده است (Arazmuradov, 2015: 5).

آمریکا نیز در ابتدا به این کنوانسیون ملحق نشد، اما بعداً با توجه به توصیه‌هایی که از سوی حقوق‌دانان این کشور صورت گرفت به این کنوانسیون ملحق شده است (Nadelmann, 1977).

از جمله پرکاربردترین اسناد نیازمند به تصدیق جهت ارائه در سایر کشورها مدارک تحصیلی است که تصدیق همین مدارک تحصیلی سرمنشأ تصویب قانون الحاق به این کنوانسیون در سال ۱۳۹۱ توسط مجلس شورای اسلامی است؛ چراکه برخی کشورها مدارک تحصیلی تصدیق شده ایران را به بهانه عدم تصدیق محتوا و ترجمه آن نمی‌پذیرفتند. لذا با توجه به اهمیت و اهداف این کنوانسیون ضروری است ابتدا این کنوانسیون به طور دقیق بررسی شده و همچنین دیدگاه ایران در خصوص هر یک مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت آثار این معاهده تبیین گردد.

پرسش اصلی این تحقیق در خصوص تأثیر الحاق به این معاهده و تصویب قانون و آیین‌نامه آن بر نظام حقوقی ایران است: آیا الحاق به این معاهده بر سایر قوانین موضوعه تأثیری دارد؟ آیا به طور ضمنی برخی مواد از قوانین را نسخ می‌کند؟ در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی، بخش‌های مختلف این کنوانسیون توصیف شده و سپس دیدگاه ایران با توجه به آیین‌نامه اجرایی آن تبیین می‌گردد و نقاط قوت و ضعف آن تحلیل می‌شود و سعی بر آن است که در پایان پیشنهادهایی در خصوص اصلاح آیین‌نامه اجرایی آن ارائه گردد.

۱. سیر الحاق به کنوانسیون در ایران

در اوایل دهه نود شمسی، پس از مکاتبات نمایندگی‌های خارجی مقیم تهران با وزارت امور خارجه و همچنین مکاتبات برخی از سفارت‌خانه‌های ایرانی با وزارت امور خارجه، که نشان‌دهنده دیدگاه وزارت امور خارجه کشورهای محل استقرار آنها بود، نظام جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر این نظرات قرار گرفت. ایرادات وارده بر اسناد ایرانی حاکی از آن بود که اسناد تأیید شده توسط محاکم و مجاری قانونی در ایران، مانند وزارت امور خارجه و قوه قضائیه، نزد دفتراهای حقوقی کشورهای دیگر و همچنین نمایندگی‌های دیپلماتیک آنها در ایران قابل قبول نبوده است؛ چراکه با مهورکردن اسناد تصدیق شده توسط اداره سجلات و احوال شخصیه وزارت امور خارجه و اداره امور مترجمان رسمی قوه قضائیه صرفاً مهر و امضای مترجم و اداره امور مترجمان رسمی قوه قضائیه تأیید می‌شده است. این موضوع بدین معنی است که در خصوص صحت ترجمه و محتوای سند هیچ گونه

اظهار نظر و تأییدی وجود نداشته است؛ به همین علت بسیاری از نمایندگان حقوقی در سایر کشورها اسناد ایرانی را نمی پذیرفتند (شهبازی و قربان پور، ۱۳۹۲: ۲۶۴).

در نهایت معاهده مذکور تحت عنوان «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه» مصوب ۱۹۶۱ در سال ۱۳۹۱ با توجه به ضرورتی که اصل های ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی تعیین کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۵۷) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در سال ۱۳۹۴ نیز یک تبصره به متن قانون اضافه شد و متن تبصره ۲ آن تغییر کرد. هیأت وزیران نیز در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۷ به پیشنهاد وزارت امور خارجه (با همکاری سایر دستگاه های ذی ربط) و به استناد تبصره (۳) ماده واحده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه، مصوب ۱۳۹۱، با اصلاحات بعدی، آیین نامه اجرایی قانون یادشده را به تصویب رساند.

لذا مطابق این قانون، رویه قانون مدنی نسبت به اسناد مشمول این کنوانسیون اجرا نمی گردد؛ یعنی دیگر لازم نیست ابتدا مهر، امضا و تمبر مرجع صادرکننده سند توسط نمایندگی سیاسی ایران در آن کشور تأیید شده، سپس مهر و امضای نمایندگی ایران توسط وزارت خارجه ایران تأیید گردد تا سند قابلیت استناد در ایران را دارا باشد. اما در حال حاضر مطابق این معاهده، صرف تصدیق از سوی مرجع صالح و الحاق سند تأیید شده کفایت می کند. البته در خصوص لفظ «تأییدیه» این نکته حائز اهمیت است که بر خلاف ماده چهارم معاهده که بیان داشته است که لفظ تأییدیه بایستی به زبان فرانسوی یعنی Apostille باشد^۲ به فارسی ترجمه شده و این اشکال در نمونه تأییدیه انتهای قانون نیز وجود دارد. بدین معنا که بهتر بود لفظ آپوستیل به طور مستقیم در نمونه سند انتهای معاهده و همچنین ترجمه معاهده استفاده گردد؛ چراکه این لفظ دیگر به معنای اسم خاص خود استفاده می گردد و از معنای عمومی خود فاصله گرفته است.^۳ تاکنون ۱۱۸ کشور به این کنوانسیون ملحق شده اند. اما سایت رسمی این نهاد، نام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشور عضو این کنوانسیون درج نکرده است، که خود از نکات

۱. آیین نامه اجرایی نحوه تعیین مرجع یا مراجع صدور تأییدیه (Apostilles) و دیگر مقررات اجرایی مربوط در چهارچوب این کنوانسیون بنا به پیشنهاد وزارت امور خارجه و با همکاری سایر دستگاه های ذی ربط ظرف سه ماه پس از تصویب الحاق، تهیه و به تصویب هیئت وزیران می رسد.

2. The title "Apostille (Convention de La Haye du 5 October 1961)" shall be in the French language.

۳. در تعریف آپوستیل آمده است که: «تأییدیه ای استاندارد است که مطابق با معاهده لاهه برای تأیید اسناد در کشورهای خارجی استفاده می گردد» (Garner, 2004: 105)؛ سند نوشته شده ضمیمه شده (Webster, 1994: 71)

قابل تأمل است (HCCH, 2020)؛ به نظر می‌رسد با وجود تصویب این کنوانسیون، هنوز پس از گذشت قریب به هفت سال، سند تصویب نزد امین معاهده تودیع نشده است.^۱

۲. اهداف کنوانسیون

تمایل دولت‌ها به مختصرکردن فرایند تأیید از طریق لغو ضرورت تصدیق اسناد عمومی بیگانه توسط نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی زمینه شکل‌گیری و فراهم‌ساختن کنوانسیون ۱۹۶۱ را ایجاد کرد (Amram, 1974: 310; Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 11). با توجه به مواد کنوانسیون و همچنین گزارش‌های منتشر شده از دفتر دائم کنفرانس بین‌المللی لاهه، به نظر می‌رسد این کنوانسیون در پی دستیابی به اهداف زیر بوده است.

۲-۱. حذف مرحله تصدیق از سوی دولت مقصد سند

پیش از تصویب این کنوانسیون، تصدیق اسناد به این صورت بوده است که ابتدا امضا، مهر و تمبر مقامات صادرکننده سند توسط مقامات صالح کشور مبدأ تصدیق می‌شود که این مقام صالح در کشورهای مختلف حسب مورد دادگاه یا وزارت امور خارجه آن کشور است. سپس امضا، مهر و تمبر مقامات صالح توسط مأموران سفارتخانه یا کنسولگری کشور مقصد تأیید می‌شود و در نهایت باید امضا، مهر و تمبر مأموران سفارتخانه توسط وزارت امور خارجه کشور مقصد تصدیق شود. همان‌طور که روشن است روند طی این مراحل طولانی بوده و همچنین باعث می‌شود افراد هزینه‌های زیادی را متحمل گردند (Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 4).

این کنوانسیون در پی آن است که کشورها، به‌جای طی کردن مراحل سه‌گانه فوق، تنها به تصدیق امضا، مهر و تمبر مقامات صالح کشور مبدأ اکتفا کنند و از طولانی شدن مراحل تصدیق اسناد جلوگیری کنند؛ مطابق ماده ۲ این کنوانسیون دیگر لازم نیست مأموران سفارتخانه کشور مقصد صحت امضا، سمت شخص امضاکننده سند و در صورت اقتضا، هویت مهر یا تمبر روی امضاء اسناد را تصدیق نمایند. تنها تشریفات اداری که این کنوانسیون لازم می‌داند الحاق برگه آپوستیل^۲ بر روی سند توسط مقام صالح کشور مبدأ است.

۱. تودیع اسناد از جمله مراحل انعقاد معاهدات چند جانبه است و ضرورتاً باید سند تصویب به نگهدارنده و یا امین معاهده که طبق خود معاهده تعیین می‌گردد تسلیم شود (فلسفی، ۱۳۹۳: ۲۹۵؛ وفایی، علیپور، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۶).
 ۲. مطابق ماده ۳ این کنوانسیون: تنها تشریفات اداری که ممکن است به منظور تصدیق صحت امضا، سمت شخص امضاکننده سند و در صورت اقتضا، هویت مهر یا تمبر آن لازم باشد، الحاق گواهی مذکور در ماده (۴) است که در کشور محل تنظیم سند و توسط مقامات صلاحیت‌دار آن کشور صادر شده باشد.

در مقام تأکید بر هدف فوق، ماده ۹ این کنوانسیون کشورهای عضو را مکلف کرده است که اقدامات لازم جهت ممانعت از تصدیق رسمی اسناد مشمول این کنوانسیون توسط نمایندگی‌های دیپلماتیک یا کنسولی خود را اتخاذ نمایند. البته به نظر می‌رسد هدف از تدوین این ماده جلوگیری از رویه و عادت بانک‌ها و مؤسسات مالی در خصوص تصدیق اسناد است؛ چراکه ممکن است این مؤسسات از باب احتیاط در خصوص اسنادی که به‌طور غیرمستقیم به فعالیت‌های تجاری و غیرتجاری مربوط می‌شود، ارائه‌دهنده سند را ملزم به ارائه تصدیق کنسولگری نمایند (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

۲-۲. تسهیل گردش اسناد و بین‌المللی‌سازی اسناد داخلی

از اهداف اصلی این کنوانسیون تسهیل در گردش اسناد است. با حذف نیاز مراجعه به نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی خارجی و حذف تشریفات طولانی تأیید سند و صرفاً با صدور یک «تأییدیه»^۱، افراد به راحتی می‌توانند از اسناد خود در سایر کشورهای عضو استفاده نمایند (Haight, 1975:765؛ شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۳). این کنوانسیون به دنبال این هدف است که اسناد داخلی کشورها به نوعی اعتبار بین‌المللی پیدا کنند و گامی در راستای یکسان‌سازی حقوق خصوصی بردارد و افراد بتوانند به راحتی از اسناد داخلی خود در سایر کشورها استفاده نمایند. البته به نظر می‌رسد از اهداف و آرمان‌های اصلی این کنوانسیون تصدیق «تک مرحله‌ای»^۲ اسناد است؛ بدین معنا که اسناد در کشور مبدأ صرفاً توسط مرجع صالح تصدیق شود و این همان چیزی است که تدوین‌کنندگان هنگام تدوین کنوانسیون آپوستیل در ذهن داشتند. در حال حاضر از آنجایی که مرجع صالح صدور آپوستیل در کشورهای مختلف از توانایی لازم جهت احراز اصالت اسناد برخوردار نیست، ممکن است پیش از صدور آپوستیل تصدیق اسناد را از سوی دیگر مقامات داخلی بخواهد که به «رویه چند مرحله‌ای»^۳ معروف است.^۴ هر چند این رویه چند مرحله‌ای مغایر با کنوانسیون نیست، اما بهتر است برای جلوگیری از این مشکل به جای انتخاب یک مرجع، به عنوان مرجع صالح صدور آپوستیل، از چندین مرجع برای تصدیق اسناد استفاده نمایند؛ علت نیز چنین

1. Apostille

2. the ideal of the "one-step process"

3. multi-step process

۴. آلمان و فرانسه سیستم تصدیق تک‌مرحله‌ای را برگزیده‌اند و اسناد صرفاً به مرجع صالح ارائه می‌گردد و هیچ نهاد دیگری پیش از صدور آپوستیل لازم نیست این اسناد را تصدیق نماید (Adams, 2012: 528 & 529)، برخلاف آرژانتین و مکزیک که تصدیق چند مرحله‌ای را برگزیده‌اند. در این قسم کشورها لازم است پیش از صدور آپوستیل مراجع محلی مهر، امضا و تمبر مرجع صادرکننده سند را تصدیق نمایند (Adams, 2012: 529 & 530).

ذکر شده است که با تعدد این مراجع تراکم کاری آن‌ها کمتر شده و به امور مرتبط با مقامات صادرکننده سند آگاه بوده و دیگر نیازی به تصدیق اولیه وجود ندارد (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۳۹ و ۱۴۰؛ Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 5 & 6).

به نظر می‌رسد ایران رویه چندمرحله‌ای را در خصوص تصدیق اسناد انتخاب کرده است. ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون متصدیان اعلام اصالت سند در دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط را موظف کرده است تا ظرف مدت یک روز کاری، ضمن احراز اصالت اسناد از طریق امضا و مهر اسناد، مراتب را تأیید و مشخصات آن‌ها را ثبت و ضبط نمایند.

البته برخی با توجه به تبصره ۱ ماده ۸ آیین‌نامه استدلال می‌کنند، از آنجایی که تصدیق آپوستیل نیاز به تصدیق جداگانه‌ای ندارد و استعمال و هر نوع تصدیق مهر و امضا و هویت به صورت الکترونیک و برخط انجام می‌شود، لذا رویه صدور آپوستیل در ایران تک‌مرحله‌ای است (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۳۹ و ۱۴۰). اما پر واضح است که صرف انجام تصدیق به صورت الکترونیک و کوتاه بودن این روند دلیلی بر تک‌مرحله‌ای بودن نیست، بلکه صرف تصدیق اصالت سند توسط دستگاه‌های ذی‌ربط خود نشان از تک‌مرحله‌ای بودن این روند است. هنگامی این روند تک‌مرحله‌ای است که سند تنها توسط مرجع صالح موضوع ماده ۶ تصدیق شده و سند آپوستیل صادر گردد.

۳. مفاد کنوانسیون

ضروری است مفاد موجود در کنوانسیون مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا ابتدا، موارد مشمول این کنوانسیون مورد بررسی قرار گرفته و سپس مستثنیات آن تبیین می‌گردد. در این بخش، ماهیت اسناد، استثنائات کنوانسیون، ماهیت ترجمه اسناد، مرجع صالح و طرح آزمایشی آپوستیل الکترونیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین هریک از این موارد با نظام حقوقی ایران مقایسه شده و راهکارهای پیشنهادی آیین‌نامه اجرایی وزارت امور خارجه ایران مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرد.

۳-۱. سند رسمی یا سند دولتی (عمومی)

در ادبیات حقوقی ایران، واژه «اسناد عمومی» و همچنین خود واژه «سند دولتی» واژگانی غریب به حساب می‌آیند و چندان در ادبیات حقوقی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در متن ماده یک کنوانسیون

۱. ماده ۱ این کنوانسیون در مورد اسناد دولتی که در سرزمین یک دولت متعاهد سندیت یافته و قرار است در دولت متعاهد دیگری ارائه شود قابل اجرا خواهد بود. از نظر این کنوانسیون، اسناد زیر دولتی تلقی می‌شود:
الف) اسناد صادره از سوی یک مرجع یا مقام رسمی مرتبط با دادگاه‌ها یا محاکم کشور، از جمله اسناد صادره از سوی دادستان کل، منشی دادگاه یا مأمور ابلاغ؛

س

واژه «اسناد عمومی»^۱ آمده است، در حالی که در سال ۱۳۹۱، یعنی سال تصویب الحاق به این کنوانسیون، سند عمومی به سند دولتی ترجمه شد. بر همین اساس در سال ۱۳۹۴ قانون‌گذار در تبصره‌ای الحاقی به تفسیر سند عمومی (سند دولتی) پرداخت و چنین توضیح داد که در اینجا منظور از چنین اسنادی سند رسمی است. مطابق تبصره ۲ ماده واحد الحاقی سال ۱۳۹۴، «از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران منظور از عبارت «سند دولتی (Public document)» در این کنوانسیون، سند رسمی است». این تبصره جهت روشن‌تر گردیدن بیش‌ازپیش نوع این اسناد و همچنین مشخص‌نمودن معنای سند دولتی و سند عمومی در ادبیات حقوق ما بود.

به نظر می‌رسد تفکیک میان سند رسمی، سند عمومی و سند دولتی که در متن معاهده استفاده شده است از اهمیت بسیار فراوانی برخوردار است. ابتدا، تعریف بیان‌شده از سند عمومی در «طرح کلی معاهده» بیان شده، سپس تعاریف دیگر در این خصوص بیان می‌شود تا وجه افتراق این دو عبارت مشخص شود. اهمیت این موضوع زمانی خود را نشان می‌دهد که این دو واژه به عنوان مثال با هم رابطه عموم خصوص مطلق یا عموم خصوص من وجه داشته باشند؛ لذا بدون توجه به ماهیت اسناد عمومی ممکن است برخی اسناد مشمول کنوانسیون قرار گیرد که مقصود قانون‌گذار ایرانی نباشد.

در سند ضمیمه کنوانسیون در خصوص «سند عمومی» چنین بیان شده است (HCCH, 2020: 1): «این کنوانسیون تنها در مورد اسناد عمومی اعمال می‌شود. همان گونه که کنوانسیون «اسناد

(ب) اسناد اداری؛

(پ) اسناد محضری؛

ت) گواهینامه‌های رسمی که به اسنادی که اشخاص به اعتبار سمت شخصی خود به امضا رسانده‌اند پیوست شده است، نظیر گواهینامه‌های رسمی که به ثبت و ضبط سند یا واقعه‌ای پرداخته‌اند که در تاریخ معینی وجود داشته است، همچنین تصدیق امضاها را رسمی و محضری. در هر حال این کنوانسیون در موارد زیر اعمال نمی‌شود:

الف) اسنادی که مأموران دیپلماتیک یا کنسولی به آن‌ها سندیت می‌بخشند؛

ب) اسناد اداری که به‌طور مستقیم به عملیات تجاری یا گمرکی مربوط می‌شود.

1. Public Document

2. The Convention applies only to public documents. As the Convention does not define “public document”, the “public” nature of a document is left to be determined by the law of the place where the document originates (i.e. the State of origin). Nonetheless, Article 1 provides some guidance as to types of documents that can be considered “public”. These examples include documents emanating from an authority or official connected with a court or tribunal of the Contracting Party (including documents issued by an administrative, constitutional or ecclesiastical court or tribunal, a public prosecutor, a clerk or a process-server); administrative documents; notarial acts; and official certificates which are placed on documents signed by persons in their private capacity, such as official certificates recording

۳

عمومی» را تعریف نمی‌کند، ماهیت «عمومی» سند توسط قانون مکانی که سند از آن نشأت می‌گیرد (یعنی دولت مبدأ) تعیین خواهد شد. با وجود این، ماده ۱ برخی راهنمایی‌ها را به عنوان انواع اسنادی که می‌تواند «عمومی» در نظر گرفته شود ارائه می‌دهد. این مثال‌ها شامل مدارکی هستند که از یک مرجع صلاحیت‌دار یا دادگاهی که طرفین معاهده بدان مراجعه کرده‌اند صادر می‌شود (از جمله اسناد صادر شده توسط یک دادگاه اداری (دیوان عدالت اداری)، دادگاه قانون اساسی (معادل شورای نگهبان در حقوق ایران) یا هر دادگاه دیگری)؛ همچنین اسناد لازم‌الاجرا، «اسناد دفاتر اسناد رسمی»^۱ و گواهی‌نامه‌های رسمی که توسط افراد ذی‌صلاح به امضا رسیده است (گواهی‌نامه‌های رسمی که به ثبت و ضبط سند یا واقعه‌ای پرداخته‌اند که در تاریخ معینی وجود داشته است و همچنین احراز و تصدیق هویت و امضا توسط دفاتر اسناد رسمی) مشمول این کنوانسیون است. از جمله مصادیق این اسناد که در متن معاهده مورد اشاره قرار گرفته است می‌توان موارد زیر را نام برد:

گواهی ولادت، ازدواج و فوت، اسناد ثبت تجاری شرکت‌ها، ثبت اختراعات، آراء دادگاه‌ها، اسناد صادره از دفاتر اسناد رسمی، تصدیق امضا و مدارک دانشگاهی صادره از مراکز عمومی. همچنین معاهده آپوستیل شامل سواد مصدق اسناد عمومی (اسناد رسمی) نیز می‌شود. معاهده مؤکداً شامل اسناد صادره از سوی مأموران دیپلماتیک یا کنسولی و همچنین اسناد اداری مرتبط با عملیات تجاری یا گمرکی نیست. استثنائات مذکور در بند سوم ماده ۱ کنوانسیون باید به طور مضیق تفسیر گردد.»

طبق تصریح متن فوق، کنوانسیون سند عمومی را تعریف نمی‌کند و تعریف این اسناد را به کشور مبدأ سند واگذار کرده است (HCCH, n.d.: 1). هر چند در نگاه اول شاید چنین برداشت گردد با وجود اناطه تعریف سند عمومی به کشور مبدأ دیگر اختلافی به وجود نخواهد آمد، اما با دقت نظر

the registration of a document or the fact that it was in existence on a certain date and official and notarial authentications of signatures. The main examples of public documents for which Apostilles are issued in practice include birth, marriage and death certificates; extracts from commercial registers and other registers and other registers; patents; court rulings; notarial acts and attestations of signatures; academic diplomas issued by public institutions. Apostilles may also be issued for certified copies of a public document. Although the Convention does not strictly apply to documents executed by diplomatic or consular agents or to administrative documents dealing directly with commercial or customs operations, these Article 1(3) exclusions are to be interpreted extremely narrowly.

1. 'Notarial acts', n.d. : Action performed by a notary public in his or her official capacity, such as in authenticating a document by witnessing it and placing the notarial seal on it.

اقدامی که توسط سردفتر اسناد رسمی در طی صلاحیت خود انجام می‌شود، مانند تأیید و تصدیق صحت سند و مهرنمودن.

متوجه می‌شویم که صرف قبول کردن هر نوع سندی ذیل این کنوانسیون از سوی کشور مقصد چندان ساده نیست و تشخیص این که هریک از کشورهای عضو چه تعریفی از سند عمومی ارائه داده‌اند و وظیفه‌ای است که کنوانسیون به‌طور غیر مستقیم بر عهده کشور مقصد سند گمارده است. تأکید کنوانسیون بر اسناد عمومی و نه اسناد دولتی، با توجه به مباحث میان هیئت‌های نمایندگی، اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد؛ چراکه در مذاکرات اولیه میان هیئت‌های تهیه‌کننده پیش‌نویس کنوانسیون، در مورد به‌کاربردن عبارت سند عمومی^۱ و سند دولتی^۲، مطالب و مباحث گوناگونی مطرح شده است که در نهایت عبارت سند عمومی مورد تأیید و ترجیح همگان قرار می‌گیرد؛ البته برخی علت مرجح دانستن لفظ «عمومی» را چنین بیان کرده‌اند که تهیه‌کنندگان کنوانسیون معتقد بودند بایستی کنوانسیون مذکور بر همه اسناد، به‌جز اسنادی که توسط افراد در سمت شخصی خود امضا می‌شود، اعمال گردد (شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۷۲). همچنین عبارت سند عمومی را خالی از ابهام دانسته و بیان می‌کردند که استفاده از لفظ سند عمومی به‌نوعی دایره این کنوانسیون را موسع می‌نماید (Lousouarn, 1961: 3-4). با این اوصاف به نظر می‌رسد هدف اصلی استفاده از واژه سند عمومی فراگیری و عمومیت آن بوده تا تمامی اسناد را بتوانند مشمول این کنوانسیون به حساب آورند، هرچند همان‌طور که بیان شد تعریف نوع سند به کشور مبدأ سند سپرده شده است. در ترجمه، آنچه اهمیت تعریف واژه‌های اسناد رسمی و اسناد عمومی و اسناد دولتی را بیشتر نشان می‌دهد تبصره الحاقی مذکور است که بیان کرده است منظور از عبارت سند دولتی (عمومی) سند رسمی است که در متن ماده اول آمده است؛ در حالی که همان‌طور که بیان شد، پیش از الحاق تبصره مذکور در ترجمه متن معاهده، از واژه اسناد دولتی استفاده شده بود که علت نیز آن بوده است که لفظ اسناد عمومی شامل تمامی اسناد می‌شده است، در حالی که این ترجمه خلاف نص معاهده^۳

1. Public Document, actes publics
2. Official Documents, documents officiels
3. The present Convention shall apply to public documents which have been executed in the territory of one Contracting State and which have to be produced in the territory of another Contracting State. For the purposes of the present Convention, the following are deemed to be public documents:
 - a) documents emanating from an authority or an official connected with the courts or tribunals of the State, including those emanating from a public prosecutor, a clerk of a court or a process-server (huissier de justice)
 - b) administrative documents;
 - c) notarial acts;

۳

و همچنین مذاکرات پیش از تصویب معاهده بوده و تنظیم‌کنندگان این معاهده خود تماماً از لفظ اسناد دولتی استفاده نکردند.

از جمله نکات درخور تأمل که اختلاف میان اسناد عمومی با اسناد دولتی را نشان می‌دهد در خصوص مدارک دانشگاهی است؛ نظارت بر ابتکارات بین‌المللی که به تقویت کیفیت همکاری‌های آموزشی کمک می‌کند، در محیط بین‌المللی تحصیلات تکمیلی، امری اساسی و ضروری است (Altbach & Knight, 2007: 295). بین‌المللی شدن تحصیلات تکمیلی در مرکز موضوعات جهانی، توسعه اقتصادی و تحولات اجتماعی است و از جمله سرمنشأهای شکل‌گیری چنین کنوانسیونی نیز عمده‌تأ تصدیق مدارک دانشگاهی جهت تسهیل فرایند تحصیلات تکمیلی است (De Wit, 2011: 242). همچنین از سوی دیگر میزان دانشجویان ایرانی محصل در خارج از کشور، طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳، نزدیک به پانصد هزار نفر بوده است (Arazmuradov, 2015, N: 5). لذا بررسی دقیق در خصوص مدارک تحصیلی لازم است.

با توجه به مصادیقی که معاهده برای اسناد عمومی ارائه کرده است تمامی مدرک‌های صادره از نهادهای عمومی ولو آنکه دولتی نباشند مشمول این معاهده خواهند شد.^۱ به‌عنوان نمونه مدارک (دانشنامه)^۲ صادره از دانشگاه‌های غیرانتفاعی و آزاد به تصریح مصادیق سند ضمیمه باید مشمول معاهده قرار گیرد، اما از سوی دیگر می‌دانیم که چنین اسنادی قطعاً دولتی نیستند و با وجود ترجمه اولیه از قانون باعث می‌شویم چنین مدارکی مشمول معاهده نباشد که این امر خلاف اهداف اصلی معاهده است.

d) official certificates which are placed on documents signed by persons in their private capacity, such as official certificate recording the registration of a document or the fact that it was in existence on a certain date and official and notarial authentications of signatures. However, the present Convention shall not apply;

a) to documents executed by diplomatic or consular agents;

b) to administrative documents dealing directly with commercial or customs operations.

۱. البته برخی بیان داشته‌اند که دانشنامه‌ها در یک تقسیم بندی سنتی به دو بخش دانشنامه‌های دولتی و دانشنامه‌های صادره از بخش‌های خصوصی می‌گردد و در ادامه بیان کرده‌اند که دانشنامه‌های صادره از سوی مؤسسات خصوصی مشمول صدور تأییدیه به‌طور مستقیم نمی‌گردد و در این خصوص کشورها، جهت بهره‌برداری دانشنامه‌های صادره از سوی مؤسسات خصوصی، از کنوانسیون ترفندهای مختلفی را به کار می‌گیرند (شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۷۷)؛ البته این نظر چندان دقیق به نظر نمی‌رسد؛ چراکه اولاً برخلاف ظاهر لفظ سند عمومی «Public Document» مذکور در خود کنوانسیون بوده و ثانیاً تفسیری که در سند الحاقیه کنوانسیون بیان شده است مطلب دیگری را بیان کرده است؛ چه در سند الحاقیه، تمامی دانشنامه‌هایی را که از سوی مؤسسات عمومی صادر می‌گردد از جمله مصادیق این کنوانسیون به حساب آورده است.

2. Diploma

در حقوق ایران سند رسمی تفاوت‌هایی با سند دولتی دارد؛ ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی در تعریف سندی رسمی می‌گوید: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر طبق مقررات قانون تنظیم شده باشند، رسمی است». لذا همان طور که بیان شده است، سند رسمی در نظام حقوقی ایران بایستی شامل سه رکن اصلی باشد که شامل ۱. دخالت مأمور رسمی، ۲. صلاحیت مأمور رسمی، ۳. رعایت مقررات قانونی (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۹۱). حال با توجه به این مسئله اسناد رسمی در حقوق ایران به چهار دسته تقسیم می‌گردند که عبارت‌اند از: اسناد اداری، اسناد قضایی، اسناد فراقضایی و وابسته (مانند اظهارنامه‌ها و ...) و اسناد تنظیم‌شده با صلاحیت ارادی که در دفترخانه‌ها صورت می‌پذیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

در حقوق ثبت اسناد و املاک، تنها اسنادی را رسمی می‌دانند که در دفاتر اسناد رسمی ثبت شده باشد (دارابی، ۱۳۹۷: ۲۲۷) و رابطه سند رسمی از لحاظ قانون مدنی با سند رسمی از لحاظ قانون ثبت اسناد و املاک و سایر مقررات ثبتی عموم و خصوص مطلق است.

بنابراین لفظ سند دولتی که در ترجمه معاهده به کار رفته است چندان دقیق نیست و بسیاری از مصادیق را شامل نخواهد شد که اجلا مصداق آن دانشنامه‌های دانشگاه‌های غیردولتی است. توجه به همین مسئله قانون‌گذار را به درستی واداشته است تا تبصره الحاقی فوق را به معاهده اضافه نماید؛ چراکه به نظر می‌رسد لفظ سند رسمی به طور کامل با مصادیقی که در سند ضمیمه معاهده آمده است مطابقت دارد. در آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور به طور صریح به ماده ۱۲۸۷ اشاره شده است تا نشان دهند مبنای تعیین مصادیق اسناد رسمی است. همچنین در بند ب ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی^۱

۱. ماده ۲: «اسناد مشمول این آیین‌نامه شامل اسناد موضوع ماده (۱) کنوانسیون و اسناد رسمی موضوع ماده (۱۲۸۷) قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۴، به شرح زیر است:

الف) اسناد صادرشده از سوی مرجع رسمی یا مقام منصوب مراجع قضایی یا غیرقضایی که به حکم قانون تشکیل شده‌اند؛

ب) اسناد اداری و گواهی‌های صادرشده از سوی مراجع عمومی مانند اسناد هویتی و گواهی‌های صادرشده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، مدارک تحصیلی و آموزشی، مدارک شغلی، گواهینامه‌های صادرشده از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط، اسناد مسافرتی، مدارک و گواهی‌های پزشکی، گواهی‌های پزشکی قانونی، گواهی‌های بانکی، پروانه‌های کسب و پیشه و فعالیت‌های شغلی؛

گواهی‌های معتبر صادرشده از سوی شرکت‌ها و بنگاه‌های ثبت‌شده تابعه یا وابسته به مؤسسات عمومی و گواهی‌های صادرشده از سوی شهرداری‌ها؛

تعمداً از لفظ مراجع عمومی به جای مراجع دولتی استفاده شده است که از جمله مصادیق آن به مدارک تحصیلی و آموزشی نام برده شده است؛ لذا در این آیین نامه نیز بر نوع اسناد تأکید شده است و تنها شامل اسناد رسمی می‌گردد.

تنها اشکالی که ممکن است در اینجا مطرح گردد این است که بیان گردد دانشنامه‌های صادره از سوی مؤسسات خصوصی از قبیل دانشگاه آزاد و همچنین دانشگاه‌های غیرانتفاعی سند رسمی محسوب نمی‌گردند؛ چراکه این قسم از مراجع صادرکننده دانشنامه مطابق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی نزد مأمورین رسمی تنظیم نشده است. اما در پاسخ باید بیان کرد که چنین مطلبی چندان دقیق نیست؛ چه منظور ماده از بیان این مطلب این نبوده است که این فرد لزوماً مستخدم دولتی باشد بلکه صرف مجوزداشتن از سوی نهاد دولتی کفایت می‌کند. اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز همین نظر را تأیید کرده و بیان کرده است که مأمور رسمی می‌تواند متفاوت از مأمور دولتی باشد.^۱

بنابراین مبنای غلط قانون‌گذار در سال ۹۱ که تنها شامل اسناد دولتی بوده با اصلاح سال ۱۳۹۴ و همچنین تصویب آیین‌نامه آن تصحیح گردید و تمامی اسناد رسمی و همچنین تمامی دانشنامه‌های صادره از سوی مؤسسات دولتی و خصوصی دارای مجوز مشمول این معاهده قرار می‌گیرند.

پ) اسناد و گواهی‌های تنظیم‌شده در دفاتر اسناد رسمی و دفاتر رسمی ازدواج و طلاق و همچنین مدارک و گواهی‌های صادرشده از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مانند اسناد مالکیت و آگهی‌های رسمی؛
ت) گواهینامه‌های رسمی پیوست اسنادی که اشخاص به اعتبار سمت شخصی خود امضا کرده‌اند، نظیر گواهینامه‌های رسمی که به ثبت و ضبط سند یا واقعه‌ای پرداخته‌اند که در تاریخ معینی وجود داشته است و همچنین تصدیق امضا در دفاتر اسناد رسمی. نک: <http://qavanin.ir/Law/TreeText/264130>

۱. نظریه شماره ۷/۹۴/۲۹۷ مورخ ۱۳۹۴/۲/۵: «منظور از «مأمورین رسمی» مذکور در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی کسانی هستند که از طرف مقام صلاحیت‌دار برای تنظیم سند رسمی معین شده باشند که ممکن است مستخدم دولت نباشند؛ مانند سردفتران اسناد رسمی. بنابراین، مأمورین رسمی مزبور لزوماً در ادارات دولتی مشغول به کار نمی‌باشند و یا در خدمت دولت انجام وظیفه نمی‌نمایند؛ لذا «مأمورین رسمی» می‌توانند متفاوت از «مسئول دولتی» نیز باشند؛ زیرا مسئول دولتی در ادارات دولتی انجام وظیفه می‌کند، ولو اینکه دارای رابطه استخدامی با ادارات مزبور نباشد [سردفتران و دفتریاران و یا اعضای هیئت‌مدیره کانون وکلا و یا اعضای هیئت‌مدیره کانون کارشناسان رسمی که قانون‌گذار به آن‌ها اجازه صدور پروانه وکالت یا کارشناسی را داده است] ممکن است «مأمور رسمی» شناخته شوند، لکن «مسئول دولتی» نمی‌باشند (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۲۵۲).

۲-۳. استثنائات کنوانسیون

مطابق ذیل ماده ۱ کنوانسیون، دو دسته از اسناد از شمول این معاهده مستثنا شده‌اند. طبق این بند، اسناد صادره از سوی مأموران کنسولی و دیپلماتیک، همچنین اسناد اداری که به‌طور مستقیم به عملیات تجاری یا گمرکی مربوط می‌شود نیازی به اخذ سند آپوستیل ندارند؛ نویسندگان معاهده در تصمیم‌گیری اولیه تمایل داشتند تا اسناد صادراتی را جزء مشمول کنوانسیون به حساب آورند اما در نهایت از این تصمیم صرف‌نظر کردند (Leich, 1982: 183).

منظور از اسناد صادره از سوی مأموران کنسولی اسنادی است که از سوی سفارتخانه‌ها در خصوص وقایع مرتبط با زندگی اتباع خود از قبیل نکاح، طلاق، تولد و فوت آن‌ها صادر می‌گردد. این استثناء در راستای هدف کنوانسیون یعنی تسهیل تصدیق اسناد است؛ چراکه اگر قرار باشد این اسناد ابتدا به کشور متبوع مسترد شود و در آنجا برای آن گواهی آپوستیل صادر گردد، خود روندی طولانی است (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۷۱). لذا در این کنوانسیون به‌درستی تصمیم بر آن شد که این قسم از اسناد از این معاهده مستثنا گردد.

تصدیق اسناد تجاری و گمرکی پیش از تصویب این کنوانسیون تشریفات خاصی را نداشته و دولت‌ها به‌سادگی اصالت این اسناد را تأیید می‌کردند. شمول این اسناد در ذیل کنوانسیون مخالف با رویه تجاری بین‌المللی و اصول حقوق تجارت^۲ و همچنین خلاف هدف اولیه کنوانسیون یعنی حذف تشریفات در تصدیق اسناد است (Permanent of the HCCH, 2013: 35; Leich, 1982: 183). ماده هفتم^۳ آیین‌نامه کنوانسیون، علاوه بر اسناد فوق، برخی اسناد دیگر را نیز استثناء کرده است. طبق این ماده، اسناد مغایر نظم عمومی یا اخلاق حسنه یا منافع و امنیت ملی یا قوانین داخلی و

۱. در هر حال این کنوانسیون در موارد زیر اعمال نمی‌شود: الف) اسنادی که مأموران دیپلماتیک یا کنسولی به آن‌ها سندیت می‌بخشند؛ ب) اسناد اداری که به‌طور مستقیم به عملیات تجاری یا گمرکی مربوط می‌شود. این متن در تبصره ماده ۲ آیین‌نامه کنوانسیون مذکور نیز تکرار شده است: «تبصره - کنوانسیون در موارد زیر اعمال نمی‌شود: الف) اسنادی که توسط نمایندگی‌های سیاسی یا کنسولی تنظیم شده‌اند؛ ب) اسناد اداری که ارتباط مستقیم با عملیات تجاری یا گمرکی دارند.» البته با توجه به ذکر آن در خود ماده خالی از فایده است.
۲. از جمله اصول حاکم بر حقوق تجارت «اصل سرعت» بوده (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۸) و لازمه دستیابی به آن جلوگیری از هر گونه مانع در این امر است؛ قطعاً استفاده از تشریفات آپوستیل سرعت در امور تجاری را کاهش می‌دهد؛ بنابراین نویسندگان این معاهده به‌درستی این قسم از اسناد را مشمول این کنوانسیون ندانسته‌اند.
۳. ماده ۷: اسنادی که مغایر نظم عمومی یا اخلاق حسنه یا منافع و امنیت ملی یا قوانین داخلی باشند و نیز اسناد طبقه‌بندی‌شده غیرقابل تأیید هستند. دستورالعمل مربوط ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این آیین‌نامه توسط وزارت با هماهنگی وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور و دادگستری ابلاغ می‌شود.

همچنین اسناد طبقه‌بندی شده قابل تأیید نیستند. البته با توجه به ذیل این ماده، وزارت خارجه با هماهنگی وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور و دادگستری لازم است در این خصوص دستورالعملی را ظرف مدت سه ماه تهیه نماید. اما در حال حاضر هنوز این دستورالعمل پس از گذشت بیش از دو سال تهیه نشده است. ابهام در تعریف این نوع اسناد ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد و مأموران ذی صلاح اسناد را به بهانه مغایر بودن با هر یک از موارد بیان شده در ماده مذکور تصدیق ننمایند.

برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، ماده ۱۱۶ این آیین‌نامه بیان می‌کند که اگر سندی مبتنی بر دلایل مندرج در ماده ۷ مورد تأیید قرار نگیرد، دارنده سند می‌تواند اعتراض خود را به وزارت خارجه اعتراض تقدیم نماید. نکته درخور تأمل این است که مرجع اعتراض به تصمیم وزارت خارجه خود این نهاد است در صورتی که پرواضح است که نبایست مرجع اعتراض به یک رأی و تصمیم همان نهاد باشد. در ذیل این ماده نیز بیان شده است که اگر پس از اعتراض نیز سند مورد تأیید قرار نگیرد، شخص می‌تواند جهت اعتراض به «مراجع صلاحیت‌دار قضایی» مراجعه کند.

برخلاف نظری که هم دادگاه عمومی و هم دیوان عدالت اداری می‌تواند مرجع اعتراض به نظر وزارت امور خارجه باشد (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۷۰)، به نظر می‌رسد منظور از این مرجع صالح دیوان عدالت اداری باشد؛^۲ چراکه مطابق ماده ۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و همچنین بند ۱ ماده ۱۰ این قانون افراد می‌توانند نسبت به تصمیمات مأموران دولتی در این دیوان تظلم خواهی نمایند، که صلاحیت اختصاصی این مرجع مؤید این نظر است.

۳-۳. ماهیت ترجمه اسناد بر اساس معاهده

ترجمه اسناد از جمله مواردی است که در خصوص «سند عمومی» بودن آن اختلاف وجود دارد. در خود معاهده نیز اشاره‌ای به این امر نشده است. لذا دفتر دائمی کنفرانس بین‌المللی لاهه، در سال ۲۰۰۸ میلادی، از ۴۲ کشور در مورد سند ترجمه، سؤالاتی را مطرح کرد که آیا برای ترجمه اسناد آپوستیل صادر می‌گردد و همچنین آیا ترجمه اسناد، خود، سند عمومی (دولتی) به حساب می‌آید یا

۱. ماده ۱۶: متقاضیانی که اسناد تقدیمی آنان به دلایل مندرج در تبصره (۱) ماده (۳) یا ماده (۷) مورد تأیید قرار نگیرد می‌توانند اعتراض خود را جهت تجدیدنظر به وزارت تقدیم کنند. در صورتی که وزارت تصمیم اتخاذ شده را تأیید کند، معترض می‌تواند مطابق قوانین و مقررات مربوط حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی مراجعه کند. تبصره: وزارت موظف است ظرف یک هفته کاری با دعوت از نماینده دستگاه یا دستگاه‌های ذی‌ربط به این قبیل اعتراض‌ها رسیدگی و پاسخ لازم را اعلام کند.

۲. مطابق با رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور به شماره پرونده ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۵۰۰۴۸۵ در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ دیوان عدالت اداری یک مرجع قضایی به حساب می‌آید (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۷۰).

خیر. در پاسخی دریافت شده از ۴۲ کشور، به این نتیجه رسیدند که ۲۱ کشور برای ترجمه اسناد آپوستیل صادر می‌کنند؛ در حالی که ۲۱ کشور دیگر، برای ترجمه اسناد، آپوستیل صادر نمی‌کنند. از میان کشورهایی که برای ترجمه اسناد آپوستیل صادر می‌کنند، برخی شرط آن را تأیید قبلی از سوی دفاتر اسناد رسمی و برخی دیگر ترجمه از سوی مترجمان رسمی دولتی دانسته‌اند. همچنین این کشورها پاسخ داده‌اند که هم برای ترجمه اسناد خصوصی^۱ و هم برای ترجمه اسناد دولتی آپوستیل صادر می‌کنند. اما سه کشور تنها برای ترجمه اسناد عمومی آپوستیل صادر می‌کنند. در اکثر این کشورها گواهی آپوستیل مهر، امضا و صلاحیت مترجم را تصدیق می‌کند و در سایر کشورها این گواهی مهر، امضا و صلاحیت سردفتر را تصدیق می‌نمایند (Permanent Bureau of HCCH, 2009: 25).

در ایران رویه بدین قرار است که اداره امور مترجمان رسمی قوه قضائیه امضا و مهر مترجم رسمی قوه قضائیه را تأیید می‌نماید، سپس مرجع صلاحیت‌دار مهر و امضای اداره مترجمان رسمی را تأیید می‌نماید و خود امضا و مهر مترجم را تأیید نمی‌کند. در نهایت در ایران چنین است که اگر سند ترجمه شده سندی رسمی باشد، مرجع صلاحیت‌دار باید اقدام به صدور دو تأییدیه نماید که یکی از تأییدیه‌ها مربوط به خود سند بوده و دیگری مربوط به سند ترجمه شده خواهد بود. در اینجا راه حل پیش‌بینی شده دیگر این است که برگه تأییدیه ترجمه منضم به اصل سند یا رونوشت مصدق سند باشد (شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۸۰).

این روش از جمله ابتکار عمل‌های کشور نیوزیلند بوده و در سیستم صدور تأییدیه خود از این روش استفاده می‌نمایند (Permanent Bureau of HCCH, 2009: 25). این روش باعث می‌گردد که دیگر لازم نباشد مرجع صالح اقدام به صدور دو تأییدیه بنماید.

اما سؤالی که در اینجا باقی می‌ماند این است که اگر سند ترجمه شده، خود، یک سند عادی باشد، آیا آپوستیل می‌تواند شامل این سند باشد؟ ظاهراً چنین است که اسناد عادی نیز، پس از ترجمه توسط مترجم رسمی و تصدیق امضای مترجم رسمی از سوی اداره امور ترجمه^۲، یک سند رسمی

۱. از آنجایی که در این کشورها، پس از ترجمه یک سند غیرعمومی (سند خصوصی)، این اسناد توسط دفتر اسناد رسمی و یا مترجمان رسمی تأیید می‌شود، این اسناد ترجمه شده، خود، یک سند عمومی به حساب آمده و مشمول معاهده مذکور قرار می‌گیرند؛ بنابراین برای این نوع اسناد، ولو اینکه ترجمه یک سند خصوصی باشند، آپوستیل صادر می‌گردد.

۲. مطابق ماده ۵۵ اصلاحی آیین‌نامه اجرایی «اصلاح ماده (۳) قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ و الحاق چند ماده به آن» امضای مترجم ذیل ترجمه یا رونوشت یا فتوکپی اسناد و

به حساب می‌آید؛ چراکه عناصر تشکیل‌دهنده یک سند رسمی وجود دارد. این مسئله ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گرفته و مغایر با هدف قانون‌گذار ما باشد؛ چراکه افراد می‌توانند با صرف ترجمه یک سند عادی توسط مترجم رسمی و تصدیق امضای مترجم از سوی اداره امور مترجمان به‌عنوان یک سند رسمی از آن استفاده کرده و برای اخذ گواهی آپوستیل به وزارت امور خارجه مراجعه نمایند. لذا بهتر است در قانون «لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه» ترجمه اسناد غیررسمی از شمول این کنوانسیون مستثنا شود.

۴-۳. مرجع صلاحیت‌دار

طبق ماده ۶ این کنوانسیون^۱، دولت‌های عضو موظف هستند که مرجع صلاحیت‌دار صدور گواهی آپوستیل را تعیین کرده و به وزارت خارجه هلند اعلام نمایند (Amram, 1974: 314). تصویب این ماده نشان از آن دارد که تنظیم‌کنندگان اولیه این کنوانسیون تمایلی به مداخله در امور داخلی کشورها نداشتند. البته اعلام مرجع صلاحیت‌دار تعیین‌شده باید همزمان با الحاق به کنوانسیون صورت گیرد (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۸۵).

از جمله وظایف این مرجع، ثبت شماره آپوستیل‌های صادره، جهت جلوگیری از جعل این اسناد است (Amram, 1974: 313). همچنین این مرجع باید اصالت سند را احراز کرده و اقدام به صدور گواهی آپوستیل در خصوص آن بنماید (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۸۵).

کشورهای مختلف، در راستای نیل به تکلیف ماده ۶ کنوانسیون، مراجع مختلفی را جهت انجام این امور انتخاب کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، مراجع صلاحیت‌دار جهت صدور آپوستیل در اتریش بدین قرار است: «وزارت امور خارجه»^۲، «رئیس شعب دادگاه‌های بدوی»^۳ و استاندار یا مقام اجرایی هر استان^۴. در فرانسه این مسئولیت در هریک از ۹۶ استان آن بر عهده «دادستان کل»^۵ گمارده شده است. در کشور فدرال آلمان مقام صلاحیت‌دار با توجه به نوع اسناد متفاوت است. در این کشور

اوراق در مرکز وسیله اداره امور مترجمان رسمی و در شهرستان‌ها وسیله یکی از قضات قضایی تعیین خواهد شد، تصدیق و به مبلغ مقرر قانونی تمبر الصاق می‌شود.

۱. هر دولت متعاهد باید مراجع صلاحیت‌دار صادرکننده تأییدیه موضوع پاراگراف اول ماده (۳) را با ذکر وظیفه رسمی آن‌ها معین کند. هر دولت متعاهد چنین تعیینی را هنگام سپردن سند تصویب یا الحاق یا اعلامیه گسترش به وزارت امور خارجه هلند اطلاع خواهد داد. همچنین، هر طرف هرگونه تغییر مراجع تعیین‌شده را اطلاع خواهد داد.

2. Federal Ministry of Foreign Affairs
3. The President judge of each court of first instance
4. Governor or other executive of each province
5. Attorney General

اسناد در یک تقسیم‌بندی به اسناد فدرال و اسناد ایالتی تبدیل می‌شوند. مرجع صلاحیت‌دار برای صدور آپوستیل برای «اسناد فدرال»^۱ «اداره اجرایی فدرال»^۲ و «رئیس مرکز فدرال مالکیت فکری»^۳ است؛ اما مرجع صلاحیت‌دار برای اسناد ایالتی «رئیس شعب دادگاه‌های اداری»^۴، «وزیر دادگستری»^۵، «وزیر کشور»^۶ و «رؤسای دادگاه‌های تجدیدنظر»^۷ و «دادگاه بدوی»^۸ می‌باشند. کشور سوئیس نیز که نظام فدرالی دارد در خصوص اسناد فدرال و اسناد ایالتی (اسناد کانتون)^۹ تفکیک قائل شده و برای هر یک از آن‌ها یک اداره مخصوص تأسیس کرده است. هلند در این امر نسبت به سایر دول اروپایی با سهولت بیشتری برخورد می‌کند و مقام صلاحیت‌دار در تأیید اسناد مسئول دفتر هریک از شعب دادگاه‌های بدوی^{۱۰} است (Amram, 1974: 315).

ایالات متحده آمریکا پس از گذشت حدود بیست سال از ایجاد کنوانسیون در سال ۱۹۸۰ میلادی بدان پیوست (HCCH, 2020). این کشور نهادهای مختلفی را جهت صدور تأییدیه آپوستیل تعیین کرده که از این قرار است: «مأمور احراز هویت دفتر وزارت امور خارجه»^{۱۱}، «مسئول دفتر دادگاه عالی»^{۱۲}، «دادگاه تجدیدنظر»^{۱۳}، «دادگاه بخش»^{۱۴}، «دادگاه تجدیدنظر امور گمرکی و مالکیت فکری»^{۱۵} و «دادگاه تجارت بین الملل»^{۱۶} (Leich, 1982: 183).

ایران نیز در راستای انجام این امر ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی این قانون را به تصویب رساند.^{۱۷} طبق این ماده، «وزارت امور خارجه» مسئولیت تأیید این اسناد و الحاق سند آپوستیل بر روی آن‌ها را بر عهده دارد. این نوع انتخاب به نوعی در خصوص تمرکز و دقت بیشتر در این زمینه بسیار مفید است

1. Federal Document
2. Federal Office of Administration
3. The President of the Federal Patent Office
4. The president of the administrative tribunal of each state
5. The Minister of Justice
6. Minister of Interior
7. The President Judge of court of Appeal
8. The president judge of court of first instance
9. Cantonal Document
10. The clerk of court of each court of first instance in each province
11. The Authentication Officer of the Department of State
12. Clerks of the Supreme Court
13. The US court of Appeals
14. District Courts
15. The Court of Customs and Patent Appeals
16. The Court of International Trade

۱۷. ماده ۶: در اجرای ماده (۶) کنوانسیون، وزارت به‌عنوان مرجع صلاحیت‌دار صدور برگ نمونه تأییدیه در کشور تعیین می‌شود.

و از جعل این نوع اسناد جلوگیری می‌نماید؛ هرچند به علت دوری مسافت محل استقرار «وزارت خارجه» ممکن است برای بسیاری از افراد مشکلاتی را به وجود آورد. همچنین این تمرکز مرجع ممکن است سرعت صدور آپوستیل را کاهش داده و برخلاف اهداف این کنوانسیون باشد. همان طور که بیان شد در بسیاری از کشورهای اروپایی این امر حتی به شعب بدوی دادگاه‌ها اعطا شده است. بنابراین به نظر می‌رسد باید این اختیار علاوه بر وزارت خارجه به شعب دادگستری نیز اعطا گردد.

۳-۵. طرح آزمایشی آپوستیل الکترونیک

پیش‌نویس کنوانسیون آپوستیل در فضایی که تمامی امور اداری و رسمی به صورت کاغذی بوده تهیه شده است. بر همین مبنا طبق کنوانسیون، گواهی آپوستیل می‌بایست بر روی کاغذ صادر گردد. این در حالی است که در قرن بیست و یکم فناوری و ظهور تکنولوژی در نحوه عملکرد دولت‌ها تأثیر گذاشته است و ما اکنون شاهد به وجود آمدن دولت‌های الکترونیک هستیم (Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 10). همین‌ها سبب شده است دولت‌ها متمایل شوند تا اسناد تجاری و اسناد احوال شخصیه را به صورت الکترونیک منتقل نمایند (زرگری، ۱۳۹۹: ۲۱۵). اما نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که در متن کنوانسیون اشاره‌ای به امکان استفاده از این ظرفیت نشده است و این مسئله کاملاً امری طبیعی بوده، چراکه امکان استفاده از فناوری در آن دوره فراهم نبوده است، در حالی که استفاده از این ظرفیت با هدف اصلی این کنوانسیون یعنی تبادل اسناد سازگار است (Bernasconi, 2013). در راستای همین سیر تکاملی، در سال ۲۰۰۳ «کمیسسیون ویژه»^۱ بر تأثیر مثبت استفاده از فناوری‌های نوین بر عملکرد آپوستیل تأکید نمود. همچنین این کنوانسیون تصدیق کرد که روح و متن کنوانسیون مانع استفاده از فناوری‌های نوین نیست (Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 11).

«دفتر دائم»^۲ کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه جهت به‌روزماندن و همچنین حفظ کارایی معاهدات خود سعی بر آن دارد تا از فناوری‌های نوین در کنوانسیون‌های خود استفاده نماید. این دیدگاه راه را برای استفاده از «طرح آزمایشی آپوستیل الکترونیک»^۳ هموار نمود. سرانجام در سال ۲۰۰۶ میلادی، کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه با همکاری کانون ملی سردفتران ایالات متحده آمریکا^۴ این طرح را تکمیل کرده و توسعه داده است. این دو نهاد سعی دارند تا هزینه‌های صدور و استفاده از آپوستیل به صورت الکترونیک را کاهش داده و آن را عملی و پیاده سازی نموده و

1. Special Commission
2. Permanent bureau
3. Electronic Apostille Pilot Program (e-APP)
4. National Notary Association of the United States (NNA)

Bernasconi, 2007: 353; Permanent Bureau of the HCCH,) نرم افزار آن را ایجاد نمایند (11: 2013). این دو نهاد سیستم «ثبت الکترونیک»^۱ را راه اندازی کرده تا به صورت برخط از منشأ صدور سند تأییدیه اخذ گردد (Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 11).

در سال ۲۰۱۲ پس از اجرای موفقیت آمیز نرم افزار «طرح آزمایشی آپوستیل الکترونیک»، عنوان آزمایشی از آن حذف شد و از آن با عنوان «آپوستیل الکترونیک»^۲ یاد کردند (زرگری، ۱۳۹۹: ۲۱۶). در حال حاضر بسیاری از کشورها با همکاری «دفتر دائم کنفرانس حقوق بین الملل خصوصی لاهه» زیرساخت های لازم را جهت راه اندازی آپوستیل الکترونیک فراهم کرده اند (Permanent Bureau of HCCH, 2010: 31).

استفاده از ظرفیت آپوستیل الکترونیک امنیت معاهده را بالا برده و کارایی آن را افزایش می دهد. همچنین سبب تسهیل در امور مراجع صلاحیت دار می گردد و افراد با راحتی بیشتری می توانند از این معاهده استفاده نمایند. همچنین انتقال این اسناد با سادگی بیشتر صورت می پذیرد. از سوی دیگر، آپوستیل الکترونیک از ابزار قدرتمند و کارآمدی استفاده می کند که از سوء استفاده های احتمالی از این کنوانسیون و همچنین کلاهبرداری های موجود در خصوص جعل سند جلوگیری به عمل می آورد (Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 76). استفاده از ظرفیت الکترونیک جهت ثبت و صدور برگ آپوستیل در آیین نامه اجرایی این قانون^۳ پیش بینی شده است. ماده ۱۴ این آیین نامه بیان می کند که وزارت خارجه بایستی ظرف ۹ ماه از زمان لازم الاجرا شدن، تارنمایی که قابلیت استعمال و اعلام صحت صدور و اصالت آپوستیل را داراست راه اندازی نماید. در راستای نیل به هدف فوق و همچنین تقویت و تحقق دولت الکترونیک، تبصره ۱ ماده ۸^۴ این آیین نامه دستگاه های ذی ربطی را که اقدام به صدور اسناد مختلف می نمایند موظف کرده تا با استفاده از سامانه های الکترونیک، امکان دسترسی، بررسی و راستی آزمایی برخط اصالت اسناد را فراهم آورند.

1. e-Registers

2. e-Apostille

۳. ماده ۱۴: به منظور امکان ثبت و صدور برگ نمونه تأییدیه به صورت الکترونیکی، وزارت موظف است تارنمایی که قابلیت استعمال و اعلام صحت صدور و اصالت برگ نمونه تأییدیه صادر شده را از طریق شماره رهگیری به صورت برخط داشته باشد، ظرف (۹) ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه راه اندازی و نشانی آن را در ذیل برگ نمونه تأییدیه درج کند. تا راه اندازی تارنمای مربوط، مراتب طبق سازوکارهای سابق انجام می گیرد.

۴. تبصره ۱: در راستای تحقق و ارتقای دولت الکترونیک، دستگاه های ذی ربط موظفند با استفاده از سامانه های الکترونیکی، امکان دسترسی، بررسی و راستی آزمایی برخط اصالت اسناد صادر شده در آن دستگاه را برای وزارت فراهم کنند.

۴. آثار الحاق به کنوانسیون

به طور کلی الحاق کشورها به کنوانسیون‌های بین‌المللی عامل یکپارچه‌سازی قوانین و مقررات کشورهاست. از طرف دیگر، تجار بیشتر سعی دارند در کشورهایی به تجارت بپردازند که قوانین آن‌ها تفاوت چندانی با قوانین سایر کشورها نداشته باشد و با سهولت بتوانند قوانین آن کشور را تفسیر کرده و با تعارض کمتری روبه‌رو باشند. عضویت در این کنوانسیون مطمئناً ورود سرمایه‌گذار خارجی را به ایران بیشتر می‌نماید و آن هم به علت تساهل و رفع موانع اداری در اجرای اسناد خارجی است (زرگری، ۱۳۹۹: ۱۴۲). پویایی سرمایه‌فکری با جهانی‌شدن، همکاری‌های بین‌المللی و از میان برداشتن مرزها افزایش یافته است (Knight, 2012: 29). در یک نگاه گسترده، این کنوانسیون سبب تسهیل جابه‌جایی و انتقال نیروهای انسانی و همچنین تقویت رشد در تحصیلات تکمیلی، که موتور رشد اقتصادی به حساب می‌آید، می‌شود (Hendel & Lewis, 2005). با سرعتی که در تصدیق مدارک تحصیلی افراد در سایر کشورها وجود دارد، با سهولت بهتری می‌توانند در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته جهان تحصیل نمایند.

بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ در انتشار اولین گزارش «سرمایه‌گذاری برون مرزی»^۱ بیان کرد که الحاق به این کنوانسیون با کاهش امور اداری و تشریفات خاص آن و همچنین تسهیل در ثبت شعبه‌های شرکت‌های مادر در سایر کشورها سبب جذب سرمایه‌گذاری می‌گردد (World Bank Group staff, 2010: 34 & 88). در گزارشی منتشر شده توسط اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۲۰۱۲ به تأثیر این کنوانسیون بر تسهیل تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری تأکید شده است (Permanent Bureau of the HCCH, 2013: 9). لذا این کنوانسیون در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر ایران تأثیر بسزایی خواهد داشت.

همچنین کنوانسیون از یک طرف مراجع داخلی را از مزایای مالی برخوردار کرده و از طرف دیگر نمایندگی‌های خارجی را از این کسب درآمد محروم می‌نماید (شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۳) و مانع از خروج ارز می‌شود. پیش از الحاق به این کنوانسیون، کنسولگری‌های کشور مقصد در خصوص تصدیق و احراز اصالت سند مبالغی را به ارز خارجی دریافت می‌کردند. البته اگر کشور مبدأ سند میزبان کشور مقصد نباشد، هزینه‌های پست، ترجمه، حمل و نقل و... نیز به این هزینه‌ها افزوده می‌شد (Tsouka, 2015: 43؛ زرگری، ۱۳۹۹: ۱۴۱). برخی بیان داشته‌اند که اگر یک دانشجوی کشور غیرعضو بخواهد مدارک تحصیلی خود را تصدیق و احراز اصالت نماید، باید

1. Investing across borders

چندین هزار دلار صرف نماید (Arazmuradov, 2015, N: 4). در صورتی که میزان زیاد تمایل دانشجویان ایرانی به تحصیل در کشورهایی همچون ایالات متحده سبب خروج ارز از کشور می‌گردد، در حالی که الحاق به این کنوانسیون از این مسئله جلوگیری می‌نماید.

ابتدا حقوق‌دانان موافق الحاق به این کنوانسیون بیان داشتند که عمل به مفاد آن از جعل اسناد جلوگیری می‌نماید؛ علت آنکه مطابق با کنوانسیون، در نهایت یک مرجع یا چند مرجع منتخب چنین اسنادی را تصدیق می‌نمایند؛ لذا امکان جعل آپوستیل سخت‌تر خواهد بود (Haight, 1975: 765). اما با مرور زمان نویسندگان متوجه سوءاستفاده از آپوستیل شدند و از جمله آثار منفی کنوانسیون را فراهم کردن موجبات جعل اسناد بیان داشتند (Adams, 2012: 538). آن‌ها چنین ادعا کرده‌اند که از میان برداشتن مجرای تصدیق اسناد توسط نمایندگی‌های کنسولی و دیپلماتیک سبب به وجود آمدن چنین جعل‌هایی خواهد شد. حال نتیجه چنین جعل‌هایی ورود کالاهای بی‌کیفیت خارجی به خصوص کالاهای دارویی، بهداشتی و پزشکی خواهد بود (شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶۴). دفتر دائم کنفرانس نیز در یک گزارش اختصاصی در سال ۲۰۰۸ به مسئله کلاهبرداری و جعل در خصوص مدارک تحصیلی اشاره کرده است (Adams, 2012: 538). همچنین این مسئله در برخی دعاوی قضایی مطروحه در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا دیده می‌شود؛ در پرونده «رنداک»^۱ (District Court, U.S. V. RANDOCK, 2008) و پرونده «گودایک»^۲ (Court of Appeals, U.S. V. Goodyke, 2011) از سازوکار آپوستیل سوءاستفاده شده و برای اسناد جعلی سند آپوستیل دریافت شده و سپس این اسناد در دانشگاه‌ها ارائه شدند.

البته با به وجود آمدن تصدیق الکترونیک و برخط اسناد، امکان جعل تقریباً از میان رفته است و دیگر این نگرانی چندان جدی نیست؛ چراکه اسناد بدون دخالت افراد و به صورت برخط توسط مراجع ذیصلاح تأیید شده و به کشور مقصد سند به صورت برخط ارسال می‌گردد.

از سوی دیگر این کنوانسیون مانع از تعدد امضاها از سوی مراجع مختلف محلی است؛ بنابراین فرد از یافتن مراجع مختلف جهت تصدیق رسمی رهایی یافته و مشخص است که برای تصدیق سند خود بایستی به چه نهادی مراجعه نمایند. این امر بیشتر خود را در کشورهایی نشان می‌دهد که نظام سیاسی فدرال دارند؛ چراکه در این کشورها، هم مراجع ایالتی و هم مراجع فدرال اسناد را تصدیق می‌کردند (Haight, 1975: 765). این کنوانسیون امر دادخواهی را تسهیل نموده و باعث می‌شود اسناد داخلی در دادخواهی سایر کشورها با سهولت بیشتری قابل استناد باشد. تسهیل در استفاده از

1. Randock
2. Goodyke

اسناد در دادرسی‌های بین‌المللی نیز ممکن است از آثار این کنوانسیون باشد (Haight, 1975: 765)، هرچند هنوز از این ظرفیت استفاده نشده است.

از دیگر آثار الحاق به کنوانسیون آپوستیل در خصوص قوانین و مقررات داخلی ایران، نسخ نسبی ماده ۱۲۹۶ قانون مدنی^۱ ایران در خصوص کشورهای عضو معاهده خواهد بود. مطابق با ماده مذکور پس از تصدیق اسناد توسط نماینده سیاسی ایران در کشور منشأ سند، امضای نماینده سیاسی بایستی توسط وزارت خارجه تصدیق گردد. اما همان طور که پیش‌تر بیان شد، کنوانسیون کشورها را از این امر منع کرده است و دیگر لزومی به تصدیق امضای نماینده سیاسی در وزارت خارجه نیست و سند منضم به آپوستیل باید مورد پذیرش قرار گیرد. همچنین تصویب این قانون موجب نسخ نسبی بند ۴ ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی ایران در خصوص کشورهای عضو است (شهبازی و قربان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۸۶). همان طور که این ماده^۲ مقرر کرده است باید اسناد صادره شده در کشورهای خارجی در نمایندگی سیاسی و سفارت‌خانه ایران در آن کشور تصدیق گردد. با الحاق به این معاهده و مطابق با مواد ۲ و ۳ این قانون، دیگر لزومی به تأیید اسناد دولت‌های عضو توسط مأمورین کنسولی و سیاسی کشور ایران نیست و صرف تأیید از سوی مرجع صالح کشور مبدأ سند کفایت می‌کند. این قانون سبب نسخ نسبی بند الف ماده ۲ «قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی»^۳ است. طبق این ماده، اگر سندی در یکی از کشورهای بیگانه صادر شده باشد، باید توسط مترجمان رسمی ایران تصدیق گردد، در حالی که مطابق این کنوانسیون در صورتی که سندی در کشور دیگر ترجمه شده باشد و مرجع صلاحیت‌دار آن کشور نیز ترجمه را تصدیق کرده باشد، دیگر لزومی به تصدیق ترجمه از سوی مأمورین سیاسی و کنسولی و مترجمین رسمی ما نخواهد بود.

۱. هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا کنسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد، قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضا نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.
۲. «محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد، مشروط بر اینکه:... رابعاً نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و یا کنسولی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.»
۳. «ترجمه اسناد ذیل باید از طرف مترجمین رسمی یا مأمورین سیاسی و کنسولی تصدیق شده باشد. الف، اسنادی که در یکی از کشورهای بیگانه یا در ایران به یکی از زبان‌های غیرفارسی تنظیم شده و در یکی از محاکم و ادارات ایران مورد استفاده باشد.»

نکته حائز اهمیت در مورد نسخ مواد فوق این است که این مواد صرفاً در برابر کشورهای عضو این کنوانسیون نسخ شده است؛ به تعبیر دیگر نسخ این مواد نسبی است و نسبت به کشورهای عضو این معاهده نسخ شده، اما در مورد سایر کشورهای غیرعضو هنوز پابرجاست؛ همچنین مواد قانونی مذکور نسبت به اسناد مستثنای از شمول کنوانسیون لازم‌الاجراست، هرچند با توجه به آگاهی کشورها به اهمیت این کنوانسیون و سرعت گرفتن عضویت در الحاق به این معاهده، نسخ کلی این مواد چندان بعید نیست.

نتیجه

الحاق به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق اسناد آثاری را در پی خواهد داشت که تفصیل آن به طور کلی بیان گردید و در زیر به صورت کلی نکات حاصل شده بیان می‌گردد:

۱. اولین نکته در خصوص تصویب این قانون عدم استفاده از لفظ آپوستیل است. برخلاف سخت‌گیری که در ترجمه این لفظ به کار گرفته رفته، کلمه آپوستیل نوعی اسم خاص است که نیازی به ترجمه آن نیست. همچنین برخلاف تصریح ذیل ماده ۴ خود این معاهده این لفظ ترجمه شده است.

۲. الحاق به این کنوانسیون سبب تسهیل در تبادل اسناد و حذف مراحل مختلف تصدیق بوده که نتیجه آن سهولت تحصیل در دیگر کشورها، خروج ارز کمتر از کشور و همچنین جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. البته این نکته مغفول نماند که برخلاف انتظارات ممکن است موجب جعل اسناد باشد؛ چراکه مراحل تصدیق از سوی کشور مقصد حذف می‌شود؛ چنان‌که در دو پرونده مطروحه در ایالت متحده آمریکا به جعل در مدارک دانشگاهی با استفاده از سیستم آپوستیل اشاره شد. راه مقابله با این امر استفاده از ظرفیت تصدیق برخط یا همان آپوستیل الکترونیک است. هر چند این امر در آیین‌نامه اجرایی مورد تأکید است، اما اگر در عمل به آن توجه نشود ممکن است سرمنشأ جعل بسیاری از اسناد خصوصاً مدارک دانشگاهی گردد.

۳. ممکن است تصدیق در خود کشور مبدأ سند به صورت چندمرحله‌ای باشد؛ به این صورت که ابتدا مرجع صادرکننده سند امضا و مهر را تصدیق کرده، سپس مرجع صالح گواهی آپوستیل را صادر می‌کند. ایران نیز مطابق ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی آن، تصدیق چندمرحله‌ای را پذیرفته است. این در حالی است که بیشتر کشورهای توسعه‌یافته روش تک‌مرحله‌ای را پذیرفته‌اند؛ لذا توصیه می‌گردد، جهت تسریع امر تصدیق، ایران نیز روش تک‌مرحله‌ای را برگزیند.

۴. ابتدا اسناد عمومی در قانون مصوب ایران به سند دولتی ترجمه شد. این ترجمه برخلاف اهداف و مذاکرات اولیه معاهده بود؛ چراکه استفاده از این لفظ صرفاً اسنادی را دربرمی‌گرفت که از

سوی نهادهای دولتی صادر شده‌اند و شامل اسناد رسمی دیگر نمی‌شود. به تعبیر دیگر، بسیاری از مدارک تحصیلی صادر شده از سوی دانشگاه‌های غیردولتی قابلیت تصدیق از طریق آپوستیل را دارا نبودند. به همین دلیل در اصلاحات سال ۱۳۹۴، این ترجمه غلط تغییر کرد و بیان گردید که منظور از اسناد دولتی، اسناد رسمی است؛ با این تغییر، تمامی اسناد که مدنظر این معاهده است، مشمول آن می‌گردد و ایرانیان می‌توانند از ظرفیت آن استفاده کنند.

۵. این کنوانسیون اسناد گمرکی و اسناد صادره از سوی مأموران کنسولی را بنا به دلایلی که بیان گردید استثناء کرده است. ایران نیز علاوه بر این استثنائات، اسناد مغایر نظم عمومی، اخلاق حسنه، منافع و امنیت ملی و اسناد طبقه‌بندی شده را استثناء کرده است. حال اگر سندی مبتنی بر این دلایل تأیید نشد، قابلیت اعتراض در خود وزارت امور خارجه وجود دارد که این امر برخلاف اصول اعتراض به رأی است؛ چراکه مرجعی که امعان نظر کرده است، خود، مرجع اعتراض نیز می‌باشد.

با این حال در ذیل ماده ۱۶ آیین‌نامه بیان شده است که اگر در مرحله اعتراض هم وزارت امور خارجه سند را مبتنی بر دلایل فوق تأیید نکرد، فرد می‌تواند به مراجع ذیصلاح مراجعه کند که به این مرجع ذیصلاح تصریح نشده است. به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، این مرجع دیوان عدالت اداری است. هرچند بهتر است جهت عدم بروز اختلاف احتمالی در خصوص صلاحیت میان دادگاه عمومی با دیوان عدالت اداری به این امر تصریح گردد.

۶. در خصوص ترجمه اسناد در آیین‌نامه اظهارنظری صورت نگرفته است. در اینجا ممکن است برخی از مردم اسناد عادی خود را به در دفاتر رسمی جهت ترجمه ارائه کرده، سپس اداره امور مترجمان آن را تأیید نماید و از این نوع اسناد به‌عنوان سند رسمی استفاده شده و جهت اخذ گواهی آپوستیل به وزارت امور خارجه ارائه شود؛ لذا به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید نسبت به این قسم اسناد موضع خود را بیان کند تا این گونه اسناد مورد سوءاستفاده قرار نگیرند.

۷. معاهده انتخاب مرجع صالح جهت صدور آپوستیل را به کشور مبدأ سند سپرده است، لذا کشورهای عضو مراجع مختلفی را انتخاب کرده‌اند؛ ایران نیز در راستای انجام این وظیفه وزارت امور خارجه را به‌عنوان مرجع صالح انتخاب کرد. به نظر می‌رسد بهتر است که علاوه بر این وزارتخانه، شعب بدوی دادگاه‌های عمومی نیز این حق را داشته باشند؛ چراکه امکان استفاده برای همه شهرها تسهیل شده و سرعت تصدیق اسناد با توجه به عدم تمرکز در یک مرجع افزایش می‌یابد.

۸. به موجب تصویب این قانون، ماده ۱۲۹۶ و بند چهارم ماده ۱۲۹۵ «قانون مدنی» و همچنین ماده ۲ «قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی» به‌طور نسبی نسخ می‌شود؛

چراکه این مواد قانونی شیوه دیگری را برای تصدیق اسناد انتخاب کرده‌اند، در حالی که به موجب این معاهده، اسناد صرفاً با صدور گواهی آپوستیل تصدیق می‌گردد.

در مجموع، الحاق ایران به این کنوانسیون با توجه به مزایایی که در طی این پژوهش بیان گردید، اقدامی مثبت در راستای منافع ملی ارزیابی می‌گردد. اما با وجود تصویب چندساله قانون الحاق به این معاهده، هنوز اسناد الحاق نزد امین معاهده در هلند تودیع نشده است، لذا توصیه می‌گردد سایر اقدامات اجرایی جهت نهایی شدن عضویت ایران در این معاهده صورت پذیرد.

در پایان نیز موارد زیر با استدلال‌های پیش‌گفته به قانون‌گذار ایران توصیه می‌گردد:

۱. اصلاح ترجمه «آپوستیل» و جایگزینی آن با لفظ تأییدیه در ماده ۴ قانون و همچنین نمونه آپوستیل در انتهای قانون با مضمون ذیل: «در قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه، تمامی عبارات «تأییدیه» به لفظ «آپوستیل» تغییر می‌کند»؛

۲. لزوم اصلاح ذیل ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی و تصریح به مرجع اعتراض جهت جلوگیری از سردرگمی افراد و اختلافات احتمالی در خصوص صلاحیت، با این عبارت: «معتراض می‌تواند حسب مورد به دیوان عدالت اداری مراجعه نماید»؛

۳. اصلاح ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی و انتخاب مضاعف شعب بدوی دادگاه‌های عمومی برای تصدیق اسناد با این عبارت: «در اجرای ماده (۶) کنوانسیون، وزارت و همچنین شعب بدوی دادگاه‌های عمومی به‌عنوان مراجع صلاحیت‌دار صدور برگ نمونه آپوستیل در کشور تعیین می‌شود.»

منابع

فارسی

- آدابی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، حقوق ثبت کاربردی، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- زرگری، جمشید (۱۳۹۹)، کنوانسیون آپوستیل (کنوانسیون لغو ضرورت تصدیق اسناد دولتی بیگانه)، چاپ اول، تهران: مهر کلام.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.
- شهبازی، آرامش و محمد قربانپور (۱۳۹۲)، «بررسی قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ۱۹۶۱ لاهه راجع به ضرورت لغو تصدیق اسناد عمومی بیگانه»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، حقوق معاهدات بین المللی، چاپ پنجم، تهران: نشر گنج دانش.
- فلسفی، هدایت اله (۱۳۹۳)، حقوق بین الملل معاهدات، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، اثبات و دلیل اثبات قواعد عمومی اثبات - اقرار و سند، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- کلی، جان (۱۳۸۸)، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه (۱۳۹۶)، مجموعه تفسیح شده قوانین و مقررات حقوقی کاربردی، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- موسی زاده، رضا (۱۳۷۷)، حقوق معاهدات بین المللی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- وفایی، منصور و عادل علی پور (۱۳۹۵)، حقوق معاهدات بین المللی، چاپ اول، تهران: مجد.

انگلیسی

- (n.d.), **Business Dictionary**, available at: <http://www.businessdictionary.com/definition/notarial-act.html> (Last visited on 5/17/2020)
- Adams, Jr. W.J. (2012), "The Apostille in the 21st Century: International Document Certification and Verification", **Houston Journal of International Law** 34(3), 501-519.
- Altbach, G.P. and J. Knight (2007), "The Internationalization of Higher Education: Motivations and Realities", **Journal of Studies in International Education** 11(3-4), 290-305.
- Amram, P. (1974). **Toward Easier Legalization of Foreign Public Documents**. American Bar Association Journal, 60(3), 310-314.
- Arazmuradov, A. (2015). **Recalling Benefits of International Convention for Modernization**, Department of Economics and Management of Technology, Faculty of Engineering, University of Bergamo, via Marconi 5, 24044 Dalmine (BG), Italy, Available at SSRN 2011640.
- Bernasconi, C. (2007). "Some Observations from the Hague Conference on Private International Law". **Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law)**, 101, 350-353.
- Bernasconi, C. (2013). **The Electronic Apostille Program (e-APP): Bringing the Apostille Convention into the Electronic Era**. In *Entre Bruselas y La*

Haya: Estudios sobre la unificación internacional y regional del Derecho internacional privado. Liber amicorum Alegría Borrás, 199-214.

- Darwin D. Hendel & Darrell R. Lewis (2005) **Quality assurance of higher education in transition countries: Accreditation - accountability and assessment**, Tertiary Education and Management, Tert Educ Manag, 239-258.
- De Wit, H. (2011), "Globalisation and Internationalisation of Higher Education", **Revista de Universidad y Sociedad Del Conocimiento (RUSC)** 8(2), 241-248.
- Garner, Bryan A. (2004), **Black's Law Dictionary**, Eighth Edition, St. Paul: West Publishing Co. Dallas, Texas
- Graveson, R. (1961). The Ninth Hague Conference of Private International Law. **The International and Comparative Law Quarterly**, 10(1), 18-69.
- Haight, James T. (1975), "The Hague Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents. (Report of the Committee on the International Unification of Private Law, with Action by the Section of International Law and the House of Delegates)." **The International Lawyer**, vol. 9, no. 4, pp. 755-766.
- Hartoyo, B., & Fauziah, N. M. (2019). "The Hague Convention 1961: Solution of Foreign Public Document Legalization for Indonesia and ASEAN Member Countries". **ABC Research Alert**, 7, 37-47.
- HCCH, **Convention of 5 October 1961 Abolishing the Requirement of Legalisation for Foreign Public Documents**, available at:
- <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/status-table/?cid=41> (Last visited on 5/17/2020)
- HCCH, **Outline Apostile Convention (HCCH Convention of 5 October 1961 Abolishing the Requirement of Legalisation for Foreign Public Documents)**, n.d., available at: <https://assets.hcch.net/docs/80d0e86f-7da8-46f8-8164-df046285bcdd.pdf>.
- Knight, J. (2012), "Student Mobility and Internationalization: Trends and Tribulations", **Research in Comparative and International Education** 7(1), 20-33.
- Leich, M. (1982). "The Hague Convention Abolishing the Requirement of Legalization for Foreign Public Documents". **The American Journal of International Law**, 76(1), 182-183.
- Loussouarn, Y. "Explanatory Report on the Hague Convention of 5 October 1961 Abolishing the Requirement of Legalisation for Foreign Public Documents; Offprint from the Acts and Documents of the Ninth Session" (1961), Rennes. Available at: <https://www.hcch.net/en/publications-and-studies/details4/?pid=52> (Last visited on 6/7/2020)
- Nadelmann, H.K. (1977), "Clouds over International Efforts to Unify Rules of Conflict of Laws", **Law and Contemporary Problems** 41(2), 54-84.
- Permanent Bureau of HCCH (2009), Summary of responses to the questionnaire of August 2008 relating to the Apostille Convention, with analytical comments, available at:

<https://www.hcch.net/en/publications-and-studies/details4/?pid=4696&dtid=33> (Last visited on 6/7/2020)

- Permanent Bureau of the HCCH (2013). **Apostille handbook: Handbook on the practical operation of the apostille convention**. HCCH, Hague, the Netherlands: The Hague Conference on Private International Law Permanent Bureau.
- Permanent Bureau of Hcch. (2010). **The ABCs of Apostilles**. The Hague: Hague Conference on Private International Law.
- Tsouka, C. (2015). Simplifying the Circulation of Public Documents in the European Union-Present and Future Solutions. ELTE LJ, 43-50.
- United States Court of Appeals, Eighth Circuit, United States of America, Appellee, U.S. V. Larry P. GOODYKE, Appellant. United States of America, Appellee, v. David L. Robinson, Appellant., April 25, 2011
- United States District Court, E.D. Washington., United States of America, Plaintiff, v. Dixie Ellen Randock, Steven Karl Randock Heid Kae Lorhan, Robrta Lynn Markishtum, Defendants. July 8, 2008.
- Webster's, **Encyclopedic Unabridged Dictionary of the English Language** (1994), New rev. Ed. New Jersey: Random House ValuePublishing, Inc.
- World Bank Group staf (2010), **Investing across Borders 2010** (Indicators of foreign direct investment regulation in 87 economies), Washington, D.C.